

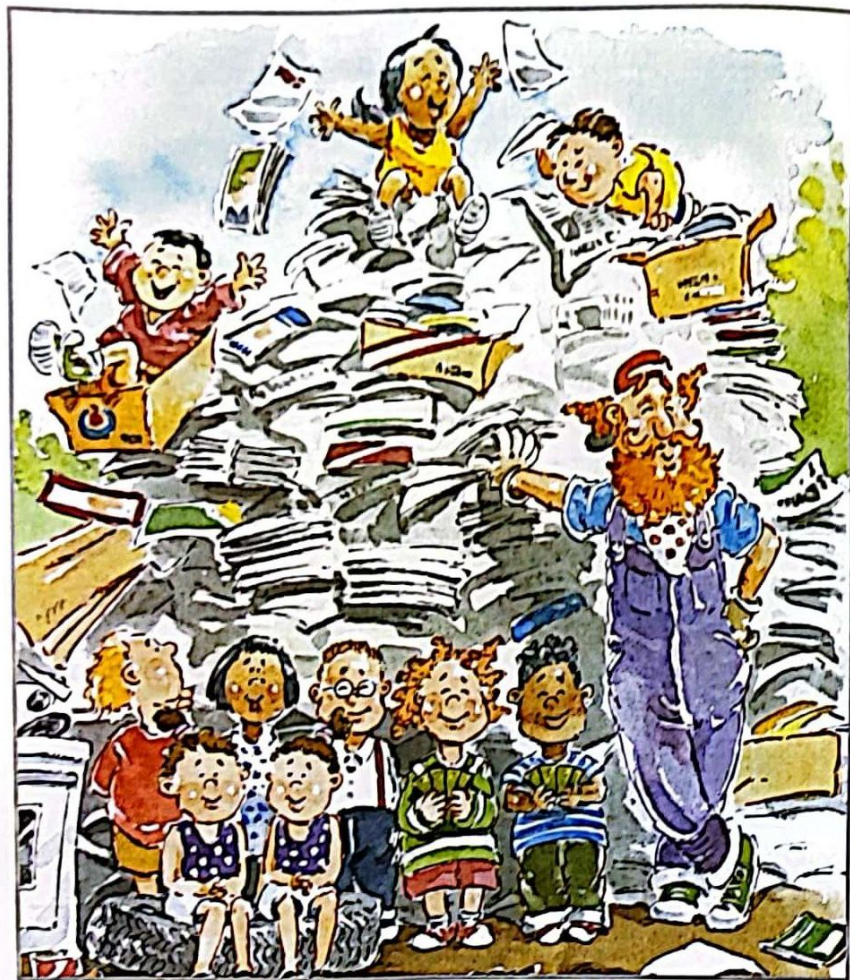


چگونه برای تفریح پول درآوریم؟



روزنامه‌های باطله، جعبه‌های مقوایی و هر نوع کاغذ دیگر

درآمد



ما بچه‌های کلاس دوم، دو تن از انواع کاغذها و مقواها را جمع‌آوری کردیم که بابت آن از آقای اینتر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، سی دلار دریافت کردیم.

گزارشی از مسیر جمع‌آوری پول
برای بازدید از موزه.



سوزان اولسن صندوقدار و گزارشگر،
کلاس دوم، مدرسه‌ی نیوتن

مخارج

دو دلار که باید به پنج خواهر و برادر کوچک ترمان می دادیم بابت قرض گرفتن گاری هایشان - البته قبلاً این گاری ها مال خودمان بود.

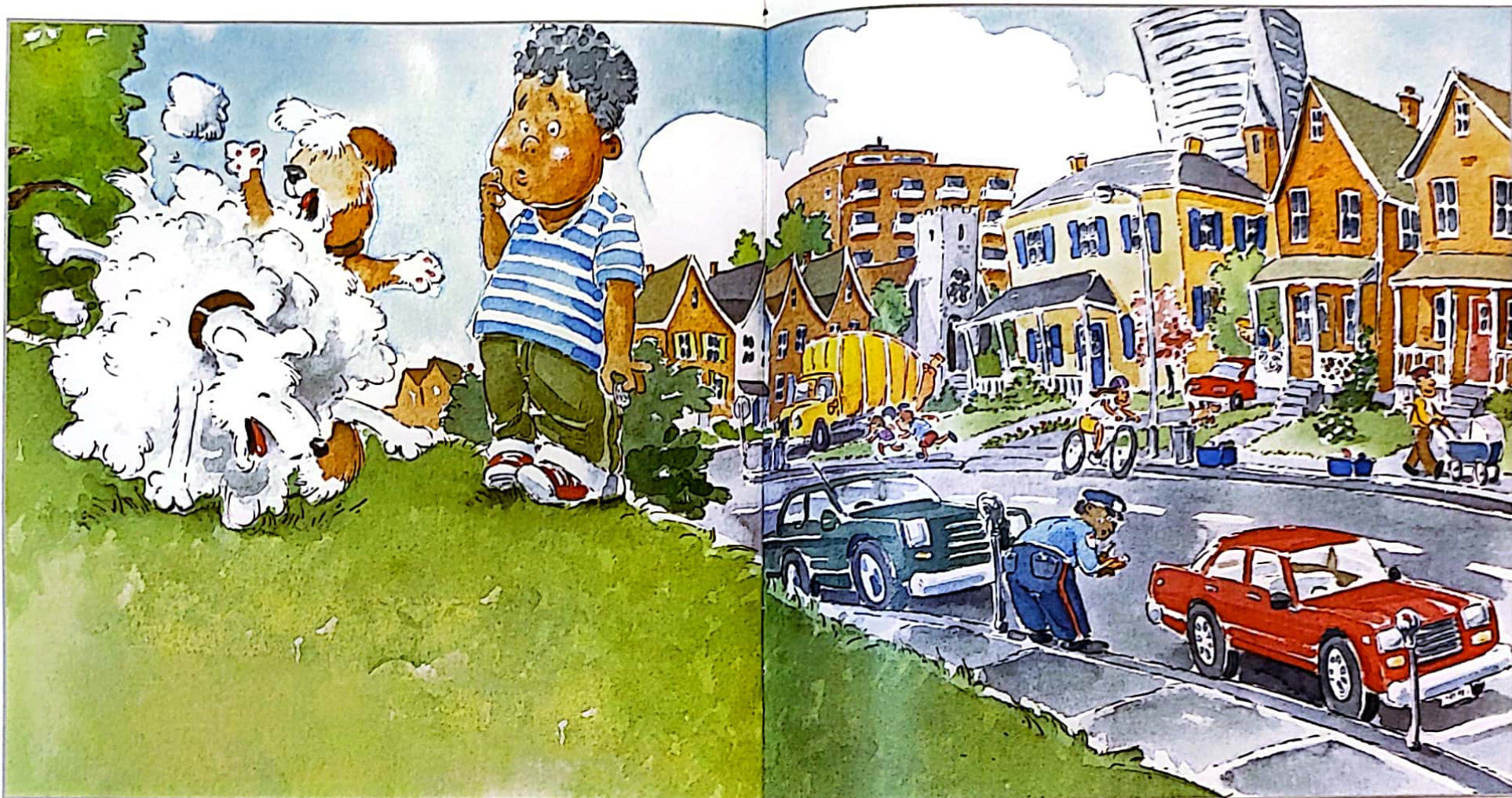
ده دلار که باید به آقای آبر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، می دادیم تا مجموعه ی کتاب های طنز بابای جانی پین را پس بدهد؛ چون اگر بابای جانی متوجه می شد کتاب هایش نیست، جانی توی دردسر بدی می افتاد.



سود

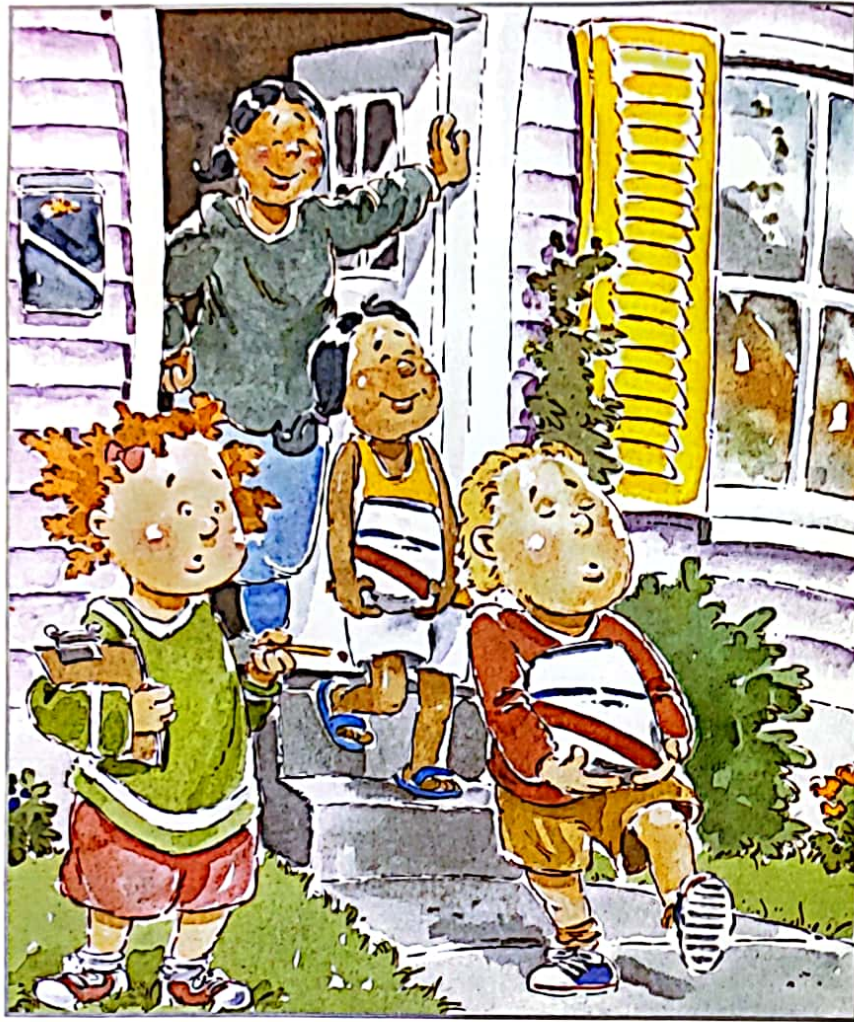
روزنامه‌های باطله، جعبه‌های مقوایی و انواع وسایل کاغذی، سودی
معادل سیزده دلار نصیب ما کرد. کم‌کم داریم کار را پیش می‌بریم.

پنج دلار جریمه که به آقای هارولد هوپ، مدیر مدرسه، پرداختیم؛
چون رابرت رز که رفته بود یک سکه‌ی بیست و پنج سنتی توی دستگاه
پارکومتر بیندازد، بین راه سرگرم تماشای دعوی سگ‌ها شده و کارش
را فراموش کرده بود (جای همیشگی پارکینگ آقای هوپ با دو تن
روزنامه‌های باطله و جعبه‌های مقوایی و انواع کاغذهای ما پُر شده بود).



دکه‌ی لیمونادفروشی مخارج

همسایه‌ی سیسیل کوپر اجازه داد از شاخه‌ی درخت لیمویش که روی دیوار حیاط سیسیل کوپر آویزان شده بود سی عدد لیموی مجانی بچینیم.



مادر جرالدين آرتور که به تازگی رژیم هفتگی‌اش را شروع کرده بود، چهار کیلو و نیم شکر مجانی به ما داد.



چند تا لیوان، یک میز کوچک، ملاقه، آب و قالب های یخ مجانی که همه را از مادر الینور را بین گرفتیم که همیشه کلی چیزمیز به ما می دهد تا الینور را میان بچه ها محبوب کند.



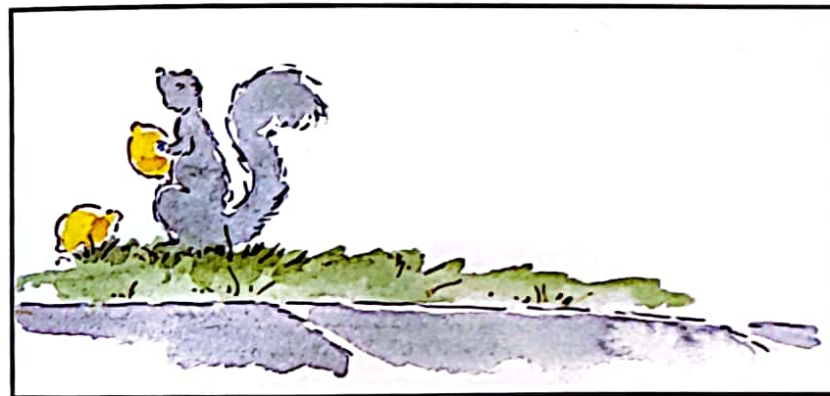
کمک بزرگی بود!
درکل دکه ی لیمونادفروشی برای ما هزینه ای نداشت.

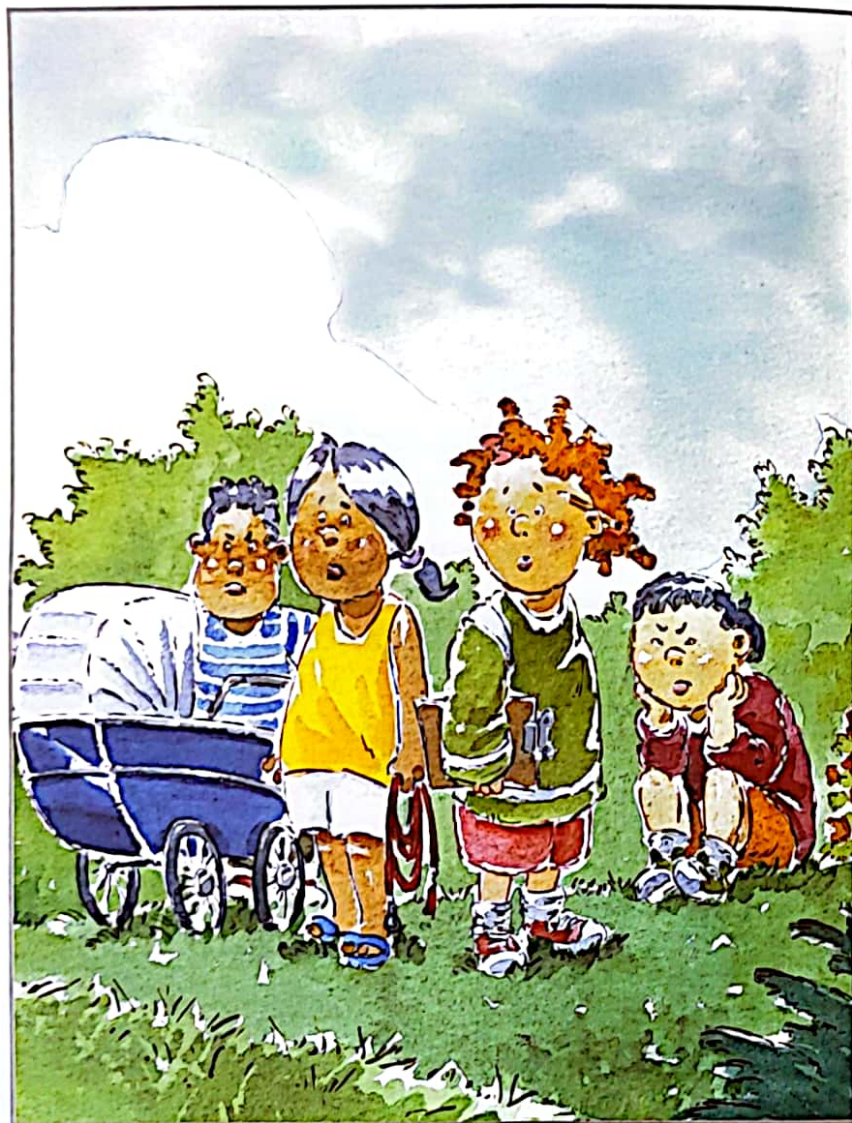
یک تشت لباس شویی مجانی که آقای آبنر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، به ما قرض داد و به جایش قرار شد هر بار که از کنار ما رد می شود، یک لیوان لیموناد مجانی بردارد.



درآمد و سود

دکه‌ی لیمونادفروشی برای ما درآمدی هم نداشت؛ چون بعد از اینکه تشت را زیر سایه‌ی درخت نارون گذاشتیم و با آب و یخ پر کردیم و آب لیموها را گرفتیم و با شکر مخلوط کردیم، گربه‌ی الینور از بالای درخت افتاد توی تشت و مامان الینور هم مجبورمان کرد همه‌ی لیموناد را بریزیم دور، البته بعد از اینکه گربه را از توی آن بیرون آوردیم. با این حال، با خوشحالی گزارش می‌کنم از ماجرای دکه‌ی لیمونادفروشی ده دلار نصیبمان شد. این ده دلار را آقای نوربرت نورویل، همسایه‌ی الینور رایین، به ما داد که از مشاهده‌ی ماجرا به خنده افتاده بود. فکر کنم از گربه‌ی الینور خوشش نمی‌آید.





پرستاری از بچه و غذا دادن به سگ درآمد، مخارج و سود

هیچی به هیچی؛ چون هیچ کس به یک بچه‌ی کلاس دومی برای پرستاری از بچه اعتماد نمی‌کند- هیچ کس، حتی خواهر برادرهای کوچک ترمان.
همه‌ی سگ‌های این محله هم خودشان برای خودشان غذا پیدا می‌کنند.

فروش شکلات

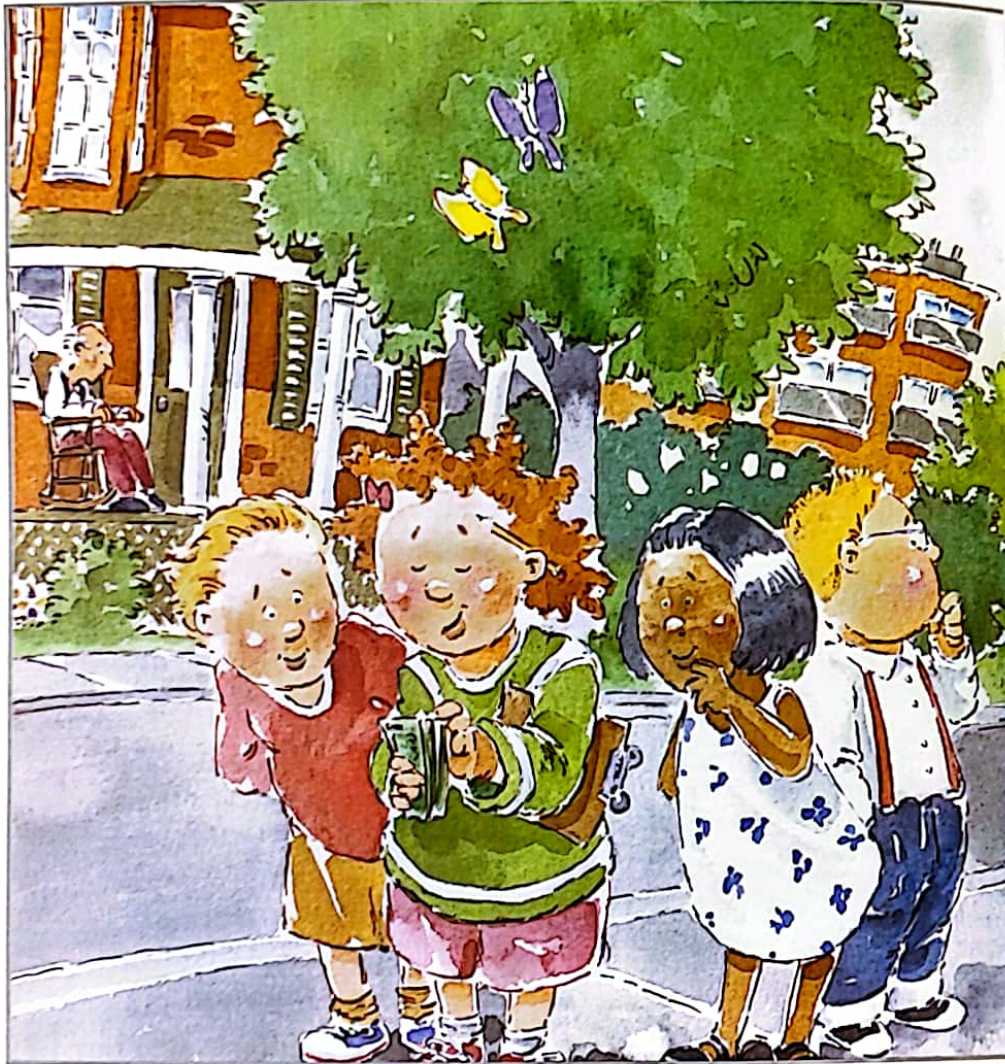
مخارج

یک کیلو شکلات گردویی مجانی که مامان اسکات الکساندر خیلی با عجله از در پشتی آمد و داد دستمان؛ چون دندان پزشک به اسکات گفته بود پنج تا دندان کرم خورده دارد.
یک دلار برای یک بسته روکش آلومینیومی تا برای فروش شکلات‌ها بسته بندی قشنگی درست کنیم.

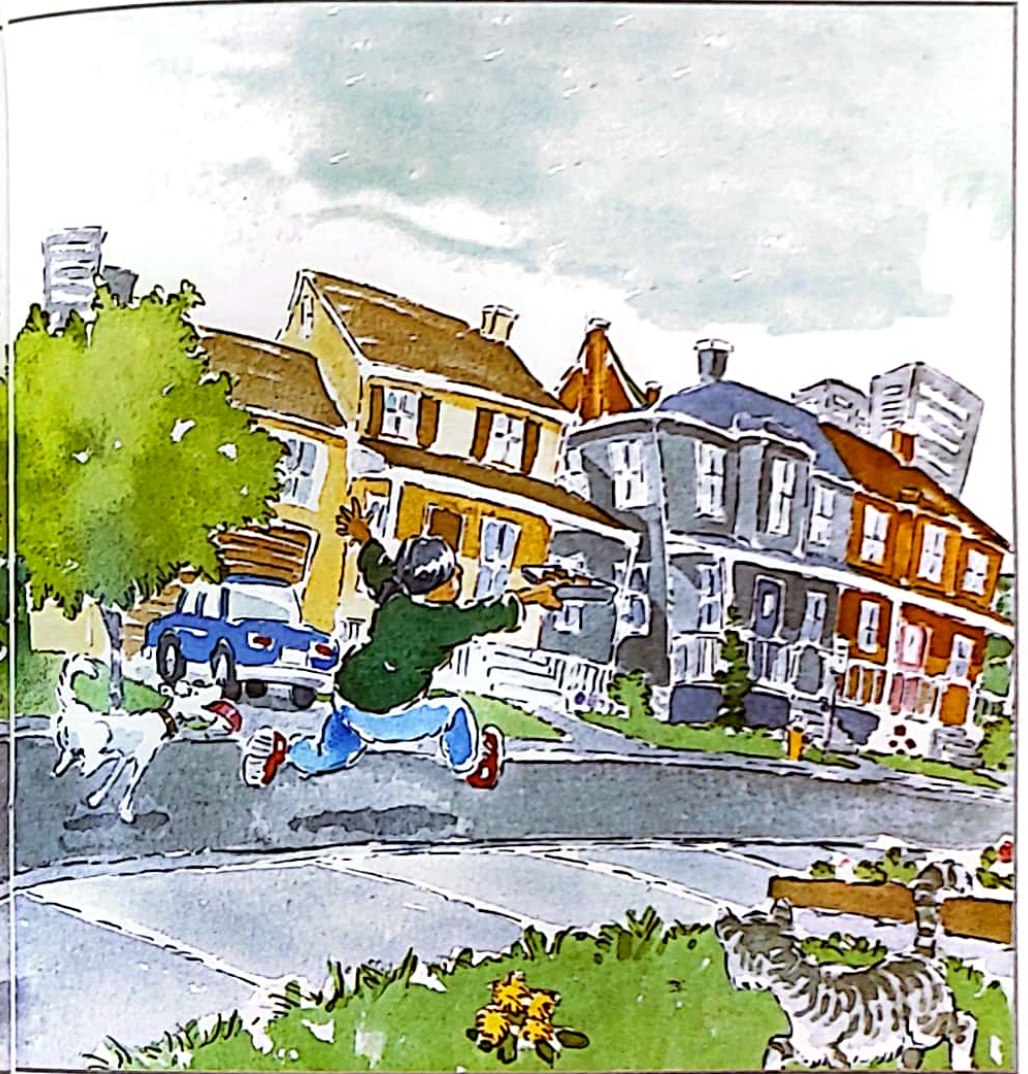


سود

سود ما از فروش شکلات هفت دلار و نیم بود. مامان جرالدين آرتور بعد از اولين گازی که به شکلات زد، اين پول را به ما داد. داشتيم به موزه نزديک تر می شدیم!



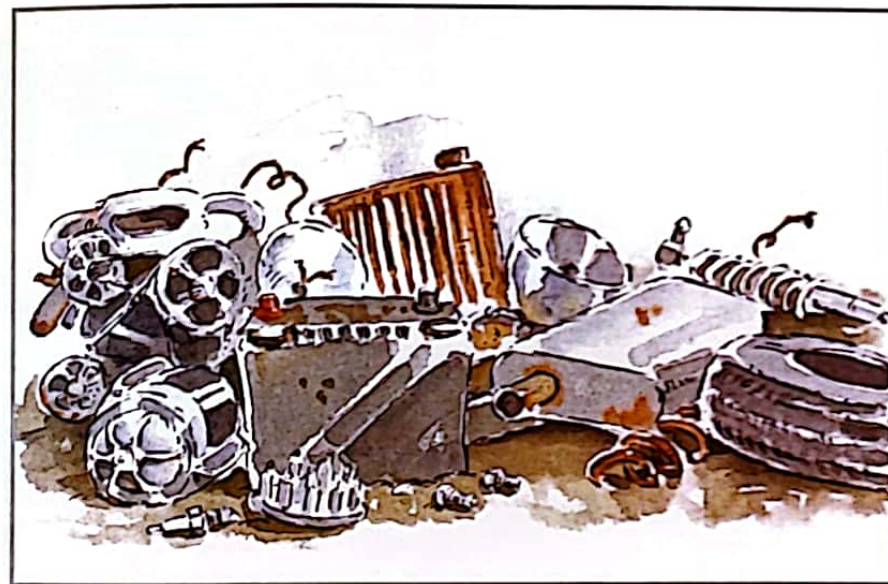
روکش آلومینیومی را پس دادیم و پولمان را پس گرفتیم؛ دیگر به آن نیازی نداشتیم؛ چون مامان جرالدين آرتور بدو بدو از خانه بیرون آمد و فریاد زد، "از فردا رژیم جدیدی را شروع می کنم!" و شکلات های بسته بندی نشده ی ما را یک جا خرید.

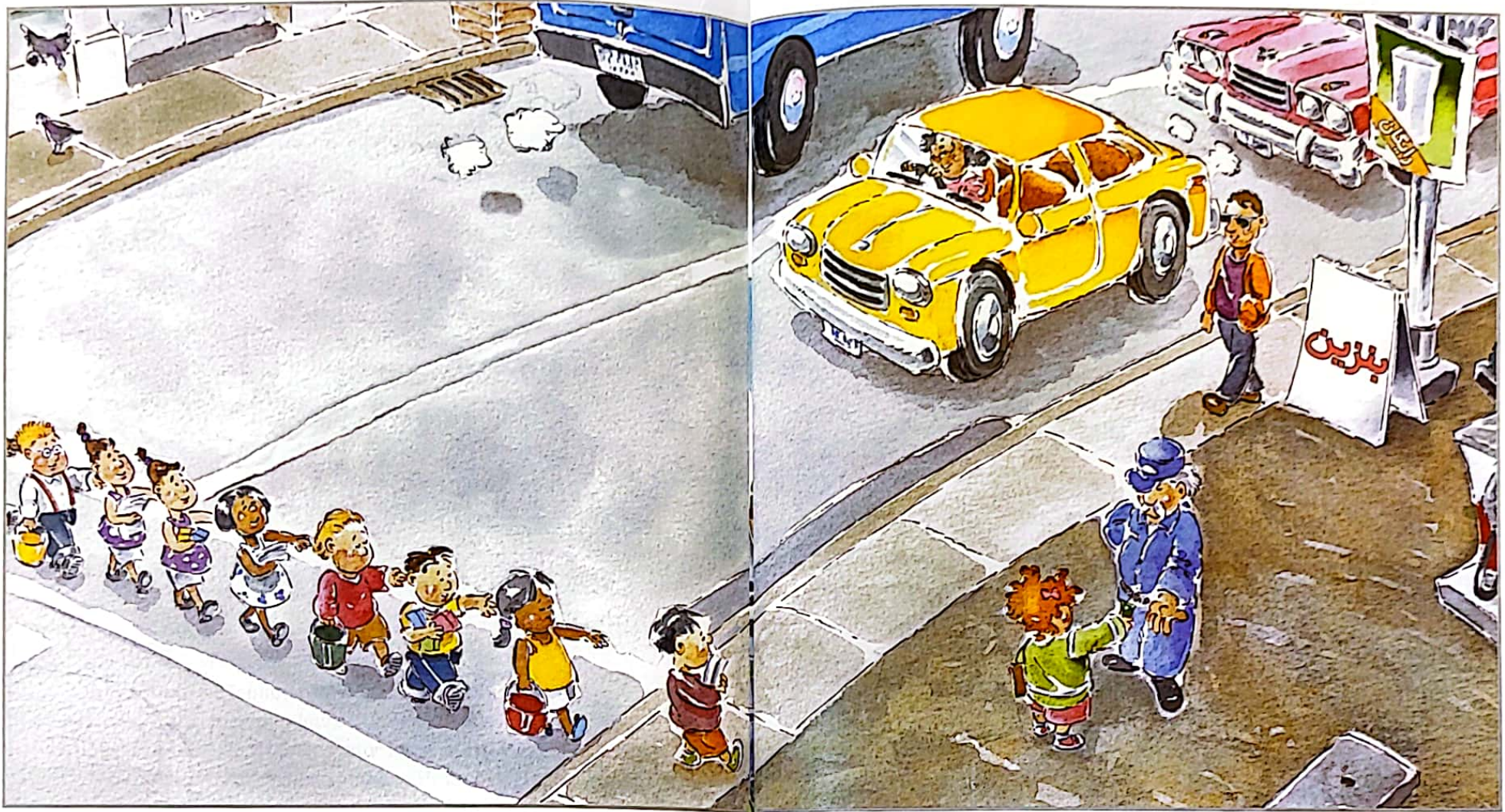




ماشین شویی مخارج

سه جعبه پودر ماشین خالص و بدون آنزیم که مال صد سال پیش بود و از آقای آبنر کارمودی، مسئول بازیافت مواد، مجانی گرفتیم. آقای کارمودی می خواست با قطعات بازیافتی برای خودش یک ماشین درست کند و قرار شد ما در آینده در ازای پودرها سه بار ماشین او را بشوییم.



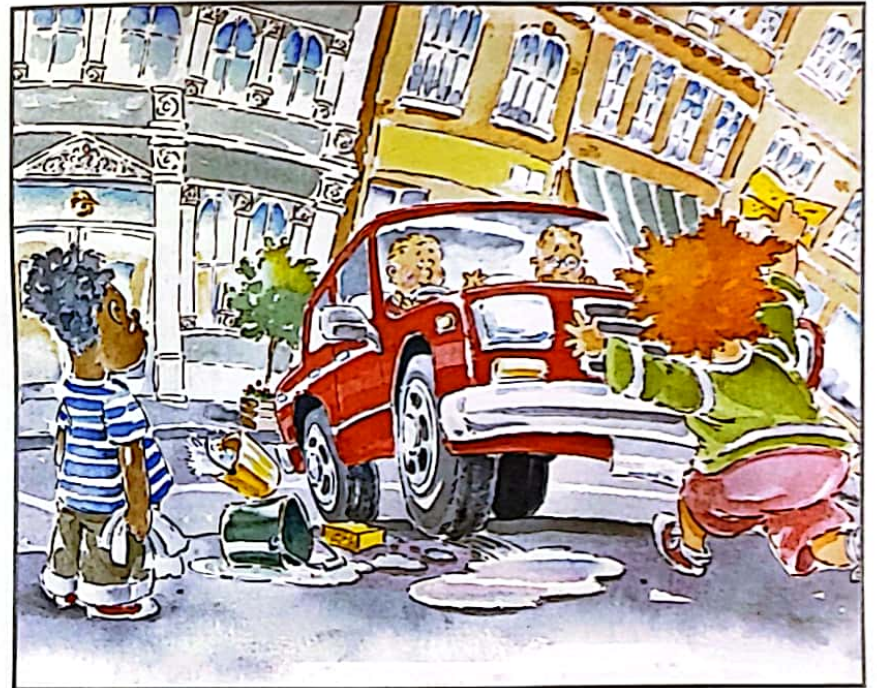


که داشتیم فراموش کردیم مراقب وسایلمان باشیم و در این میان هم یکی آنها را روی کولش گذاشت و در رفت. خریدن دوباره‌ی اسفنج و لنگ و سطل بیست دلار اضافه خرج روی دست ما گذاشت. با این حساب کل هزینه‌ها بیست و پنج دلار شد.

پنج دلار که به آقای ویلیام ویلیامز دادیم تا از محوطه‌ی خالی در ایستگاه پمپ بنزینش استفاده کنیم. او می‌خواهد بعد از رونق گرفتن کاروکاسی‌اش یک پمپ دیگر توی این محوطه بگذارد. اسفنج و لنگ و سطل را هم مامان باباها مجانی به ما دادند. البته بعد از اینکه قول دادیم حتماً آنها را برمی‌گردانیم. ما به خاطر آن همه هیجانی

درآمد

چارلی هندن بازی بازی وانمود می‌کرد می‌خواهد سطل آب را از شیشه‌ی باز ماشین اولین مشتری (آقای هارولد هوپ مدیر مدرسه) داخل ماشین بریزد. اما سطل یک جورهایی از دستش در رفت. این طوری شد که خانم پینکنی معلممان و آقای هوپ مجبور شدند برای آرامش اعصابشان بروند سر خیابان و یک فنجان قهوه بنوشند. با این حساب آنها آنجا نبودند و ندیدند چارلی چه کار کرد. او می‌خواست به سیسیل کوپرنشان بدهد باباش چه چیزهایی از رانندگی به او یاد داده، ناگهان ترمزدستی ماشین آقای هوپ را آزاد کرد و ماشین عقب عقب وارد خیابان شد و یک‌راست به طرف بانک رفت.



وقتی در بانک با شدت باز شد و دو مرد گونی به دوش از آن بیرون زدند، خانم پینکنی و آقای هوپ باز هم آنجا نبودند.





سود کل تمام فعالیت‌ها

هشت هزار و دویست و پنج دلار و پنجاه سنت.
این مقدار خیلی بیشتر از چیزی بود که برای بازدیدمان از موزه نیاز داشتیم. اما رئیس پلیس گفت که دادن پول هدیه، ابد و یک روز طول می‌کشد. احتمالاً ما قبل از اینکه یک دلار از آن هدیه را ببینیم به کلاس سوم می‌رویم.
اما این باعث نشد بازدید ما به تأخیر بیفتد! والدین بچه‌های کلاس دوم جمع شدند و پول کافی برای این سفر را جمع کردند.
گفتند که آنها هم به استراحت و تفریح نیاز دارند.
حالا ما توی راهیم!

سود



به این ترتیب یک هدیه‌ی هشت هزار و دویست دلاری به بچه‌های کلاس دوم تعلق گرفت و از آنجایی که جدول بلند جلوی در بانک ناگهان ماشین آقای هوپ را بدون هیچ خسارتی متوقف کرد، سود کل از ماشین شویی هشت هزار و صد و هفتاد و پنج دلار شد.



۱۱ دوره
ناشر نمونه
کشور
سال های
۷۴،۷۲
۷۹،۷۸
۸۴،۸۳
۹۱،۸۸
۹۵ و ۹۴
۱۳۹۶ و

ناشر برگزیده ۶ دوره

در جشنواره‌ی کتاب‌های آموزشی رشد
(آموزش و پرورش)

بچه‌های سرتق کلاس دوم تصمیم دارند برای بازدید موزه‌ی معروف کشور به شهر دیگری سفر کنند و برای این سفر به پول احتیاج دارند. آنها کارهای زیادی را امتحان می‌کنند. خرج می‌کنند، پول در می‌آورند، سودشان را حساب می‌کنند، حسابی آتش می‌سوزانند و در آخر هم چیز زیادی به دست نمی‌آورند.
شما می‌دانید چطور باید مخارج، درآمد و سود یک کسب‌وکار را حساب کنید؟

جایگاه کتاب در استاندارد آموزش سواد مالی

تصمیم‌گیری مالی

مدیریت ریسک و بیمه

سرمایه‌گذاری

کاریابی و درآمد

اعتبار و بدهی

خرج و پس‌انداز

هدفمندی

کسب درآمد

آکادمی
هوش مالی
نسبت طلایی زندگی
www.fintelligence.ir



کتاب‌ها کا پفنت
واحد کودک و خردسال
موسسه انتشارات قدیانی
www.ghadyani.org
تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۴۴۱۰

ISBN: 978-600-08-0837-2

